



مکتب اصفهان در شهرسازی

○ زهرا اهری

○ دانشگاه هنر

معنا و شکل  
تکمیل

می‌شود تا بتوان پدیده‌های معمارانه را با توجه به زمینه‌های معنایی تأویل کرد و به معانی محیطی نزدیک شد.

در انجام این تحقیق به روش تحلیل ساختاری هر یک از بناها از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت قرارگیری در شهر و روش ساخت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این بررسی رابطه‌ی بین بناها، ترکیب نماهای شهری، عناصر و قواعد ترکیب، محدوده‌ی خط نما در مقطع و میزان تجانس شکلی نماها تحلیل شده‌اند. همچنین در بررسی عناصر، اتصال بناها با بدنه شهری و نیز نحوه‌ی اتصال، عناصر ویژه برای ایجاد اتصال و آهنگ در شبکه اتصالات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. شناخت واژگان و ویژگی‌های بیان شکلی آنها که فضاهای شهری در مکتب اصفهان مطابق با آن شکل گرفته‌اند موضوع پژوهش حاضر است. بررسی و شناخت واژگان و برخی از بناهای عمومی شامل مدارس، مساجد، سراها و کاروانسراها، امام زاده و حمام‌ها در طرح پژوهشی با نام «مکتب اصفهان - زبان طراحی شهری در شهرهای کهن» انجام شده است.

کتاب در دوازده فصل و تحت عناوین زیر به چاپ رسیده است. طرح موضوع - روش تحقیق، تحلیل کالبدی کاخ‌ها، کلیساها، بازارها، راه‌ها، تقاطع‌ها، میدان‌ها، پل‌ها، نقش مادی در شکل‌گیری شهر و فضاهای آن، تجهیزات و تزیینات شهری، نماهای شهری و اتصال با شبکه‌ی ارتباطی.

چارچوب پژوهش حاضر، رویکردی پدیدارشناسی است، رویکردی که از اواخر دهه ۱۹۷۰ در مطالعات شهرسازی و معماری مورد توجه قرار گرفت. این رویکرد رویکردی توصیفی مبتنی بر مشاهده‌ی دقیق و تأویل مورد مشاهده توسط مشاهده‌گران اندیشمند است که پدیده با شرایط خود آن بررسی می‌شود و قالبی تجربی دارد. هدف نشان دادن توصیف‌هایی کمی و جمع‌آوری اطلاعات که بر مبنای آن بتوان قوانینی تدوین کرد تا اقدامات و رفتارها را پیش بینی کند نمی‌باشد، بلکه شناخت و درک ماهیت اصلی وجود انسان - در رابطه با مکان و فضا - مورد توجه است. می‌توان گفت در این رویکرد شهر به عنوان پدیده‌ای کالبدی - فضایی در نظر گرفته می‌شود که مسائل آن با شرایط خود آن بررسی می‌شود، نحوه نگرشی که موضوع پدیدارشناسی محیطی را تشکیل می‌دهد.

با به کار بردن سه جنبه‌ی ریخت‌شناسی، توپولوژی و گونه‌شناسی می‌توان جنبه‌های ساختاری حاکم بر آثار معماری و شهرسازی را بازشناخت و زبان را به کمک آنها تعریف کرد. با توجه به اینکه تحلیل آثار از سه جنبه‌ی فوق در واقع تحلیل ساختاری زبان با استفاده از روش زبان‌شناسی ساختاری است. بنابراین در چارچوب رویکرد پدیدارشناسی، تحلیل ساختاری زبان از جنبه‌ی ریخت‌شناسانه، توپولوژیک و گونه‌شناسانه صورت می‌گیرد تا بتوان واژگان و قواعد مورد استفاده در زبان شهرسازی، مکتب اصفهان را استخراج کرد، می‌دانیم که تحلیل ساختاری با ایجاد رابطه بین